

بینید کار به کجا رسیده که چنین اتفاقاتی پیش آمده است | آقایان صداوسیما چرا با روح و روان آدم‌ها بازی می‌کنید؟  
ملت ایران از گرسنگی فریاد می‌زنند!



بیست و دومین برنامه زنده اینترنتی «سی و پنج» شب گذشته شنبه 17 دی ماه با اجرای فریدون جیرانی میزبان پرویز پرستویی بود.

به گزارش اسپادانا خبر، پرویز پرستویی خطاب به فریدون جیرانی با اشاره به اینکه این روزها با دیدن مشکلات مردم حال خوبی ندارد، گفت: دلگیری من هیچ‌وقت دلگیری شخصی نبوده است، چون توقع و طلبی از کسی ندارم و جنگ و دعوا هم ندارم. من زمانی می‌توانم بازی کنم که حالم خوب باشد و زمانی می‌توانم بازیگری را درست انجام دهم که حال مملکت خوب باشد و زمانی می‌توانم از همه چیز فارغ باشم و خودم را به راحتی در اختیار دوربین و کارگردانان قرار دهم که حالم خوب باشد.

وی ادامه داد: به تازگی جریاناتی در مملکت ما اتفاق افتاده است و من نمی‌توانم نسبت به این جریانات بی‌تفاوت باشم و مجموعه این اتفاقات است که حالم را بد می‌کند. البته اگر بخواهم به جزئیات بپردازم شاید بگویم از وضعیت فعلی سینما مکدر هستیم و از شرایط دلگیرم، باز هم مساله شخصی نیست چون ما همچون یک خانواده هستیم که باید هوای یکدیگر را داشته باشیم و دلمان برای هم بتپد و کار کردن ما، جدای از حال خوب ما و مردم نیست.

پرستویی ادامه داد: من اصلا دوست ندارم اتفاقاتی که الان رخ می‌دهد را شاهد باشم؛ دوست ندارم قول و وعده‌هایی که دولتمردان می‌دهند، اتفاق نیفتد. من ۳۰ سال در دادگستری کارمند بودم و نهایتاً پاداش ۳۰ سال خدمت، ۱۴ میلیون تومان حق بازنشستگی بود! خودم را جای آن شخصی می‌گذارم که چندین ماه در حال ضجه زدن است که تمام دارایی‌اش در صندوق سپرده فلان و به‌مان از دست رفته است و اتفاقی نمی‌افتد و در نهایت چنین فجایعی رخ می‌دهد. من نه وطن‌فروشم، نه اعتقاداتم را می‌فروشم اما وقتی چنین اتفاقاتی را می‌بینم رنج می‌برم؛ کارم در طول روز تماشای اخبار است و وقتی می‌بینم هزار انگ به این مردم می‌چسبانند، ناراحت می‌شوم.

پرستویی افزود: واقعا باید صادقانه نگاه کنیم که در این چند ماه اخیر واقعا مردم ما فتنه‌گر بودند؟! این مردم اغتشاشگر بودند! حال اگر لابه‌لای این مردم اتفاقاتی می‌افتد که من نمی‌خواهم وارد جریانات سیاسی شوم، به مردم انگ می‌زنید؟! همه مردم و مسئولان و حتی آقای روحانی می‌دانند که در این مملکت به لحاظ اقتصادی و تورم و گرانی زندگی سخت شده است. حال وقتی جریانات اخیر رخ می‌دهد، توقع من این است که طور دیگری مردم را به آرامش دعوت کنند.

بازیگر فیلم بادبگارد افزود: دولت یازدهم وقتی سرکار آمد به خاطر ارتباطی که اهالی سینما با وزارتخانه‌های مختلف برقرار کردند، در هر مهمانی یا مراسمی دعوت می‌شدیم. یکبار برای مراسم تقدیر از کارآفرینان برتر دعوت به حضور شدم که آقایان جهانگیری و ربیعی هم حضور داشتند و قرار شد سخنرانی هم داشته باشم. در سخنرانی‌ام با لحنی ساده به این موضوع اشاره کردم که «از وقتی این دولت سرکار آمده، من کار خودم را کنار گذاشتم و مدام به مراسم‌های مختلف وزارتخانه‌ها دعوت می‌شوم. یک اتفاقی افتاده و آن اینکه دولت یازدهم با شعار تدبیر و امید آمد و ما بی‌خود و بی‌جهت حالم خوب است.»

وی ادامه داد: این جمله من خنده جمعیت در سالن را به همراه داشت. گفتم بی‌خود و بی‌جهت به این علت است که مردم در

هر جایگاه طبقاتی پای صندوق رای آمدند و رای دادند در حالی که وقتی این شعار تبلیغاتی معین شد، نه تحریمی و نه توری برداشته شده بود. گفتم چرا حال مردم خوب است؟ چون هر جا شما مسئولان به آن‌ها توجه کردید و به آن‌ها احترام گذاشتید و جواب خواسته‌هایشان را دادید، با جان و دل وارد میدان می‌شوند. خیلی‌ها فکر می‌کردند به دولت یازدهم زیاد رای ندهند اما این طور نشد.

پرستویی افزود: همه می‌دانیم دولت جدید برخی رفع و رجوع‌های دولت قبلی را دارد و زمان می‌برد که کار خود را انجام دهد. من الان نمی‌خواهم به آقای روحانی خرده بگیرم که شما به هیچ کدام از وعده‌هایتان عمل نکردید، اما واقعیت این است که مردم توقع دارند. نباید فضای رای دادن برای دولت یازدهم و دوازدهم را یادمان برود. حال وقتی اتفاقات این روزها را می‌بینم، دلم به درد می‌آید. من کاری به اتفاقات دلخراش که شاید توسط مردم صورت نگرفته باشد، ندارم اما ببینید کار به کجا رسیده که چنین اتفاقاتی پیش آمده است. این مردم حامیان خیلی خوبی هستند و چیزی جز برآورده شدن خواسته‌هایشان نمی‌خواهند. مقام رهبری نیز در ادوار مختلف بیان کرده‌اند که پشت ما به این مردم گرم است. من شعار نمی‌دهم اما مردم ما پرچم و مملکتشان را دوست دارند و دولت‌ها را تنها نمی‌گذارند.

بازیگر فیلم خانه کاغذی افزود: الان در شرایط اینجینی، فیلم «خانه کاغذی» که من رنج‌های تینا پاکروان را برای تولید این اثر دیدم بدون اینکه گروه متوجه شوند، قربانی شد و متاسفم که نتوانستم همراه دوستانم در اکران‌های فیلم باشم؛ زلزله از یک طرف و بدی هوا از طرف دیگر و این جریانات اخیر هم دست به دست هم دادند تا شرایطی پیش آید که سرمایه‌ای که با رنج جمع شده بود، تکلیفش مشخص نیست. این‌ها همه سبب حال بد من هستند. مگر من سالی چند کار انجام می‌دهم؟ شاید در طول سال‌ها سالی یکبار کار کرده باشم که برای آن کار هم زحمت می‌کشم و برایم اهمیت دارد. بنابراین وقتی شرایط برای من مهیا نیست، ترجیح می‌دهم حالم بد بشود.

بازیگر فیلم دوئل افزود: ما خیلی سینمای خوبی داشتیم اما الان خیلی سینمای ایران حقیر شده است. صادقانه می‌گویم که الان هیچ رغبتی برای کار در سینما ندارم چون من هنرپیشه نیستم مثل فیلم مارمولک که می‌گوید آخوندی کار من نیست. بارها شده که موتور بازیگری را از زندگی‌ام خاموش کردم و هنوز خیلی راحت می‌توانم با فیش حقوقی بازنشستگی‌ام زندگی کنم و هر زمان که دردم بگیرد به یاد می‌آورم که حتی این فیش حقوقی دست خیلی از ملت نیست، همان ملتی که الان از گرسنگی فریاد می‌زنند. من فقط برای خودم نسخه می‌پیچم و می‌گویم من اینطور یاد گرفته‌ام و چطور باید تعهد بازیگری را حفظ کنم. برای اینکه بتوانم بازیگر خوبی باشم، باید طبق قاعده و قوانین آن پیش بروم. من به بازیگری وارد شدم برای اینکه ببینم چقدر می‌توانم مسیر انسانی را طی کنم و خودم را پیدا کنم. این انگیزه هنوز در من نمرده و همراهم است. بازیگری برای من وظیفه است همانطور که یک پزشک وظیفه دارد پزشکی کند. من کاری ندارم که دستمزدهای ما در مقابل بازیگران آن طرف دنیا، ناچیز است اما به این کار دارم که دستمزدی که می‌گیرم به اندازه دستمزد چندین سال یک کارمند است. بنابراین باید خوددار باشیم و چه اشکالی دارد کمی هم مثل مردم عادی زندگی کنیم و فکر کنیم کارمندان شاغل و بازنشسته چقدر حقوق می‌گیرند در حالی که باید مرغ و برنج و... بخرند، در حالی که الان نزدیک عید است و باید سفره‌شان را رنگین کنند.

وی با انتقاد از رفتاری که با ناصر ملک مطیعی شد، گفت: چرا برنامه ناصر ملک مطیعی را ضبط کردید و پخش نکردید؟ همه مردم آگاهند که افرادی از آن سمت دنیا قصد دارند زندگی ما را زیر و رو کنند. در مملکتی که امروز در تمام برنامه‌ها من را دعوت به حضور می‌کنند، آیا با تغییر نظام، من را باید اعدام کنند؟ در این مقطع زمانی ما به هم نیاز داریم و هر جا من می‌توانم برای مملکت و بی‌ترین باشم، باید تلاش کنم چنین اتفاقی بیفتد. ما الان در دنیای اینترنتی هستیم که سریعاً اخبار مخابره می‌شود و یک موضوع دستمایه رسانه‌های خارجی و داخلی قرار می‌گیرد. آقایان صداوسیما سینمای ما از زمانی که ما انقلاب کردیم، نیست. سینمای ما پرویز پرستویی است؛ خیر نیست. من از روی دست همین پیشکسوتان سرمشق گرفتم و بزرگ شدم و حالا دنیای هنر تغییر کرده است. چرا با روح و روان آدم‌ها بازی می‌کنید؟ آقای ملک مطیعی در فیلمی که بازی کرد، ممنوع پخش شد.

وی ادامه داد: روزی به یک مسئول گفتم واقعا به جمهوری اسلامی دست مریزاد می‌گویم چون ایرج قادری در سینمای بعد انقلاب کارگردانی و هم بازیگری کرد. آفرین عیسی و کتابون امیرابراهیمی که ممنوع‌الکار بودند شروع به کار کردند. این‌ها نگاه مثبتی است که تاثیر می‌گذارد. اما رفتار با ناصر ملک مطیعی اصلا جالب نبود مگر وقتی ایرج قادری فیلم بازی کرد چه اتفاقی افتاد. پسر ملک مطیعی با خوشحالی به من اطلاع داد که پس از ۳۵ سال قرار است پدر من در تلویزیون دیده شود و حتی مردم هم خوشحال بودند اما حرمت این آدم را نگه نداشتند. تلویزیون وظیفه دارد به دیده شدن فیلم‌های سینما کمک کند و این گدایی محسوب نمی‌شود.

وی با اشاره به فیلم قاتل اهلی گفت: متأسفانه من هم حرمت‌شکنی کردم و نباید بیانه‌ای برای آقای کیمیایی می‌نوشتیم. من خیلی سینمای کیمیایی را دوست داشتم و هنوز که هنوز است می‌گویم موج نو سینما را مسعود کیمیایی آغاز کرد. محال بود که یک فیلم قبل از انقلاب اکران شود و من آن را نبینم! آقای کیمیایی هنوز برای من حرمت دارد و همیشه تماشاچی پروپاقرص سنمای او هستم اما قرار بود سه بار در خدمت آقای کیمیایی باشم که نشد؛ ضیافت، حکم و متروپل که هیچکدام نشد. یادم نمی‌رود وقتی فیلمنامه متروپل را خواندم روم نشد به کیمیایی بگویم این فیلم را کار نکنید! کیمیایی جنسی از سینما را می‌شناسد که اگر فیلمنامه خوبی باشد، قطعا نبض سینما را خوب بلد است و رگ خواب تماشاگر را خوب می‌شناسد.

وی ادامه داد: فیلمنامه قاتل اهلی درست بعد از جشنواره فجر که به کیمیایی توهین شد، از طرف لشگری به من پیشنهاد شد و خیلی خوشم آمد چون به موضوع روز می‌پرداخت. من بیشتر از اینکه بازیگری در سینما یاد گرفتم، سعی کردم ادب و معرفت و انسانیت یاد بگیرم. فکر می‌کنم بهترین رفاقت را با آقای کیمیایی در آن فیلم کردیم و محال بود که هر روز همدیگر را در آغوش بگیریم و خاطره تعریف نکنیم. اما آخرین روزی که من آنجا بودم و قرار بود شب به هیروشیما بروم و

می‌خواستم زودتر تمام شود. ناگهان ۹ صفحه ۴۱ دیالوگ رسید که شوکه شدم آنهم دیالوگ‌های کیمیایی که تخصص می‌خواهد. همان زمان فکری به ذهنم رسید و به فرشاد محمدی گفتم که امکان دارد دیالوگ‌ها در جهت نگاه‌هایم بگذارم که او هم قبول کرد. شما پرسید که من این دیالوگ‌ها در یک برداشت گفتم. خدا می‌داند بر من چه گذشت و فقط مانده بود سکنه کنم چون برای من فریم به فریم یک فیلم دنیاست. دیالوگ‌های من جواب داشت که باید پولاد کیمیایی می‌گفت. من حتی صبر هم کردم که مقابل پولاد بایستم و دیالوگ بگویم و من عادت به این کار دارم اما من رفتم و کارم تمام شد.

پرستویی افزود: وقتی برگشتم متوجه شدم که کیمیایی با لشگری دچار مشکل شدند و با لشگری قوچانی تماس گرفتم و گفتم نباید چنین کاری کنید چون بعد از سال‌ها این بهترین فیلم او است. او گفت بیا و فیلم را ببین. وقتی فیلم را دیدم متوجه شدم تمام دیالوگ‌های جوابیه پولاد تغییر کرده بود و به جای اینکه من دکتر سروش یک جوان را ادب کنم، او در حال ادب کردن من است!

منبع/ ایلنا

برچسب‌ها: [اعتراض](#) [1]  
[سینما](#) [2]